

معرفی ۱۰ اپیزود برتر سریال سیمپسون ها که باید تماشا کنید - دیجیاتو

سورنا رضایی | جمعه، ۲۰ مهر ۱۳۹۷

سیمپسون ها را می‌توان یکی از شناخته شده ترین سریال‌ها دانست که با وجود عمر حدوداً 30 ساله آن، همچنان محبوبیت بسیار بالایی در میان طرفداران سریال‌های تلویزیونی دارد. در این مدت (از سال 1989 تاکنون) بیش از 600 قسمت مختلف از این سریال در شبکه فاکس پخش شده است و به جرعت می‌توان گفت که این سریال تمامی موضوعات را پوشش داده است. همین مسئله نیز باعث شده تا این سریال بتواند نظر طرفداران بسیاری را با سلیقه‌های شدیداً متفاوت به خود جلب کند.

به همین دلیل نیز اگر به صورت تصادفی از 10 نفر قسمت‌های مورد علاقه آن‌ها از سریال سیمپسون‌ها را بپرسید، به احتمال بسیار با جواب‌های کاملاً منحصر بفردی روبرو خواهید شد. با وجود این، تصمیم گرفتیم به بهانه پخش فصل جدید این سریال، لیستی از بهترین قسمت‌های سیمپسون‌ها تهیه کنیم که تعداد بسیاری از مخاطبان بر سر جذابیت آن‌ها تفاهم نظر دارند.

اگر با سریال سیمپسون‌ها و تاریخچه‌ی آشنایی داشته باشید، احتمالاً می‌دانید که بسیاری از منتقدان و طرفداران، 10 سال نخست از پخش آن را «دوران طلایی» این سریال می‌دانند که در آن بازه شاهد پخش قسمت‌های کلاسیک یکی پس از دیگری بوده‌ایم. به همین دلیل، تمامی قسمت‌هایی که در لیست ما قرار گرفته‌اند، به 10 سال نخست مربوط می‌شوند.

توجه: ترتیب خاصی در قرارگیری قسمت‌ها وجود ندارد!

نام قسمت: Rosebud - فصل 4، قسمت 5



خلاصه ماجرا: این طور که به نظر می‌رسد، آقای برنز وضعیت مالی بسیار خوبی دارد و به همین دلیل توانسته تا به همه خواسته‌های خود دست یابد. در این بین، یک چیز وجود دارد که آقای برنز نمی‌تواند با پرداخت پول آن را بدست آورد: بوبو، خرس عروسی دوران کودکی‌اش که اکنون مگی با آن بازی می‌کند.

در اغلب قسمت‌های سریال سیمپسون‌ها شاهد اشارات مختلف به فرهنگ عامه هستیم و به جرعت می‌توان گفت قسمت Rosebud از این حیث در رتبه اول قرار دارد. در این قسمت که شاهد تقلیدهای تمسخر آمیزی از فیلم «شهروند کین» هستیم، شخصیت برنز موفق می‌شود تا توجه مخاطب را به طور کامل به خود جلب کند و این کار را نیز با نقشه‌های احمقانه‌اش برای باز پس گیری بوبو انجام می‌دهد. یکی از جالب ترین کارهایی که آقای برنز انجام می‌دهد، تلاش او برای به دست گرفتن کنترل شبکه‌های تلویزیونی برای ارسال پیام‌های تهدید آمیز به هومر است.

نام قسمت: One Fish, Two Fish, Blowfish, Blue Fish - فصل 2، قسمت 11



خلاصه ماجرا: پس از اینکه هومر در یک رستوران ژاپنی یک ماهی فوگو سفارش می‌دهد و آن را می‌خورد، متوجه می‌شود که به خاطر سم موجود در آن تنها 22 ساعت دیگر زنده خواهد بود. به همین دلیل، لیستی از کارهایی که باید قبل از مرگش انجام دهد تهیه می‌کند.

چه کسی گفته سریال سیمپسون‌ها حتما باید استخوان آرنج شما را غلغلک بدهد تا بخندید؟ بدون شک، یکی از ناراحت کننده‌ترین 22 دقیقه‌های تاریخ تلویزیون، همین قسمت سریال سیمپسون‌ها است. در این قسمت که خداحافظی هومر با تک تک اعضای خانواده را مشاهده می‌کنیم، در عین حال که احساسات مخاطب را نشان می‌دهد، بسیار خنده دار نیز هست. برای مثال، در یکی از بخش‌های این قسمت، هومر سعی می‌کند تا طرز استفاده از تیغ را برای شیو کردن به بارت بیاموزد که در نهایت به زخم شدن جای جای صورت او می‌انجامد. البته در پایان این قسمت، هومر جان سالم به در می‌برد و از مرگ نجات می‌یابد.

نام قسمت: Homer the Great - فصل 6، قسمت 12



خلاصه ماجرا: هومر به صورت اتفاقی با یک انجمن مخفی ملاقات می‌کند که شباهت‌های بسیاری به انجمن مخفی فراماسون‌ها دارد و در شهر اسپرینگ فیلد فعالیت می‌کند. پس از این اتفاق، هومر تمام تلاش خود را بر این می‌گذارد که پس از پیوستن به این جامعه، جایگاه مناسبی را برای خود در آن پیدا کند.

این قسمت را به می‌توان به یک ربات تشبیه کرد که هر دقیقه یک جوک برای گفتن دارد. از تلاش‌های لنی برای فاش کردن هویت واقعی استون کاترها در دقایق آغازین گرفته تا آهنگ We DO و مراسم اساطیری که در آن برگزار می‌شود، همه و همه نشان از خلاقیت بالای تیم نویسندگان است. همچنین در این قسمت، هومر با کنار زدن فرد شماره یک (با صدای پیشگی پاتریک استوارت) به رئیس انجمن تبدیل می‌شود. نکته جالب توجه نیز روش رسیدن او به قدرت است: مانند همیشه، اتفاقات احمقانه و البته خوش شانسی او!

نام قسمت: Homer's Enemy - فصل 8، قسمت 23



خلاصه ماجرا: در این قسمت، یک کارمند جدید با نام فرانک گریمز به نیروگاه هسته‌ای اسپرینگ فیلد اضافه می‌شود که حضور او در آن‌جا به لطف بی‌کفایتی‌های هومر چندان دوامی ندارد.

بدون شک، یکی بحث برانگیزترین قسمت‌های تاریخ سریال سیمپسون‌ها، Homer's Enemy است که برخی مواقع تم دارک و تاریکی را به خود می‌گیرد. در این قسمت، با کارمندی مواجه هستیم که مجبور است ساعات اداری خود را در کنار هومر بگذراند که زندگی‌اش در حماقت و خوش‌شانسی‌های احمقانه خلاصه می‌شود. مطابق انتظار، شرایط آن‌طور که باید برای گریمز پیش نمی‌رود و تک‌تک کارهایی که هومر انجام می‌دهند باعث می‌شوند تا خون او به جوش بیاید و مخاطب از خنده روده‌بر شود.

نام قسمت: Itchy and Scratchy Land - فصل 6، قسمت 4



خلاصه ماجرا: خانواده‌ی سیمپسون‌ها تصمیم می‌گیرند به تعطیلات بروند و به همین منظور نیز پارک Itchy and Scratchy Land را به عنوان مقصد انتخاب می‌کنند. شرایط اما آن‌طور که می‌خواستند پیش نمی‌رود و با ورود آن‌ها به پارک، آشوب آغاز می‌شود.

همه ما تعطیلاتی داشته‌ایم که در آن شرایط مطابق انتظار پیش نرفت اما بدون شک هیچ کدامشان به افتضاحی تعطیلات خانواده سیمپسون‌ها در پارک Itchy and Scratchy Land نیست. در این قسمت مشاهده می‌کنیم که بارت و هومر به خاطر قرار دادن بمب تولید کننده بو نامطبوع داخل لباس یکی از بازیگران پارک دستگیر می‌شوند. در این میان، کنترل ربات‌های حاضر در پارک از دست مسئولان آن خارج می‌شود و شاهد حمله ربات‌ها به انسان‌ها هستیم. فضا و حس و حال وست ورلد گونه این قسمت تنوع بسیار خوبی به سریال می‌دهد و برای مدتی هم که شده ما را از شهر اسپرینگ فیلد دور می‌کند.

نام قسمت: Last Exit to Springfield - فصل 4، قسمت 7



خلاصه ماجرا: پس از اینکه هومر به رهبر اتحادیه کارگری در نیروگاه اتمی شهر اسپرینگ فیلد تبدیل می‌شود، اعتراضات را با هدف بهبود شرایط کارگران به راه می‌اندازد.

در این قسمت، پارودی‌های فرهنگی و کنایه‌های وودویل گونه بسیاری را شاهد هستیم. چه سریال دیگری می‌تواند همانند سیمپسون‌ها گروه بیتلز، جیمی هوف و بتمن را در 22 دقیقه این‌طور ماهرانه به سخره بگیرد؟! این قسمت همانند دلکی است که با تعداد زیادی بشقاب بدون اینکه هیچ کدام از آن‌ها به زمین بیافتد هنرنمایی می‌کند. حال هر یک از این بشقاب‌ها را نماینده سلیق مختلف در نظر بگیرید. به همین دلیل است که می‌توان گفت این قسمت برای تمامی مخاطبان با هر نوع سلیقه‌ای جذاب خواهد بود.

نام قسمت: El Viaje Misterioso de Nuestro Jomer - فصل 8، قسمت 9



خلاصه ماجرا: پس از اینکه مراسم Chili Cook-Off آن طور که باید پیش نمی‌رود و هومر بر خلاف قولی که به مارج داده بود، آبجو می‌نوشد، هومر از یک صحرای عجیب و غریب سر در می‌آورد که در آنجا قوانین فیزیک هیچ کاربردی ندارند. در این میان، او با یک گرگ صحرایی آشنا می‌شود که مارج را زیر سوال می‌برد و به هومر می‌گوید که مارج، معشوق واقعی او نیست و باید به دنبال فرد دیگری بگردد.

عملکرد جیم راردون به عنوان کارگردان این قسمت بسیار عالی بوده است و قسمتی را ساخت که تا پیش و پس از آن نظیرش را در سریال سیمپسون‌ها ندیده‌ام. اوج هنرمندی او را می‌توان سکانس‌های مربوط به قدم زدن هومر در صحرا و هذیان گفتن‌های او دانست که به گفتگوی او با یک گرگ صحرایی با صدای پشیمانی جانی گش (از خوانندگان بزرگ سبک کانتری در آمریکا و یکی از تأثیرگذارترین موسیقی‌دانان قرن بیستم) ختم می‌شود. البته فکر نکنید این قسمت قرار نیست لبخند بر لبان شما بیاورد. بر عکس، در سکانس‌های مربوط به مراسم Chili Cook-Off به اندازه کافی خواهید خندید. موضوعی که باعث می‌شود تا این قسمت در لیست بهترین‌ها قرار گیرد، این است که این قسمت به بررسی رابطه هومر و مارج می‌پردازد و به مخاطبانش نشان می‌دهد چرا این دو با وجود جر و بحث‌ها و اختلافاتی که میانشان وجود دارد، زوج بسیار خوبی هستند.

نام قسمت: Lisa's Substitute - فصل 2، قسمت 19



خلاصه ماجرا: پس از اینکه خانم هوور به دلیل مریضی مرخصی می‌گیرد، مسئولیت کلاس دوم که از قضا لیزا از دانش آموزان آن است، بر عهده‌ی معلمی جایگزین به نام آقای برگ‌استورم قرار می‌گیرد.

این قسمت به خوبی نشان می‌دهد که یک سریال کارتونی به راحتی می‌تواند در عین حال که خنده دار باشد، احساسات مخاطب خود را نیز تحت تاثیر قرار دارد. این قسمت درباره‌ی دختری (لیزا) است که احساس می‌کند آن‌طور که باید و شاید مورد لطف و حمایت پدرش قرار نمی‌گیرد. به همین دلیل، تصمیم می‌گیرد تا یک جایگزین برای پدرش پیدا کند و چه کسی بهتر از آقای برگ‌استورم؟ شخصیتی که وظیفه‌ی صدآپیشگی آن بر عهده‌ی داستین هافمن، بازیگر برنده‌ی جایزه اسکار، قرار داشته است.

نام قسمت: Simpsons Roasting on an Open Fire - فصل یک، قسمت یک



خلاصه ماجرا: در این قسمت، هومر متوجه می‌شود که برای سال جدید خبری از پاداش نخواهد بود و علاوه بر این، خانواده پول کافی برای خرید هدایای سال نو ندارد، زیرا تمام پول خود را صرف حذف تتوی بارت کرده‌اند. در چنین شرایطی، هومر تصمیم می‌گیرد تا شغل دومی برای خود فراهم کند تا بدین ترتیب مشکل مالی برای سال نو نداشته باشند.

در نگاه اول، شاید فکر کنید چون اولین قسمت از سریال سیمپسون‌ها بوده است، آن را در لیست قرار داده‌ایم اما اشتباه نکنید. دلیل قرار گرفتن این قسمت در لیست بهترین‌ها چیز دیگری بوده است. این قسمت شاید از لحاظ محتوا در مقایسه با فصل‌های بعدی مقداری خام و نپخته به نظر برسد اما کلاسیک بودن در تمامی جزئیات آن مشخص است. آغازی جذاب به همراه طنزهای به کار رفته در آن، ترکیبی بی نقص به وجود آورده است که توانست قلب و ذهن میلیون‌ها بیننده از سراسر جهان را به راحتی از آن خود کند. همچنین یکی از بهترین بخش‌های این سریال، معرفی سگی با نام Santa's Little Helper است که با اطمینان می‌گوییم حتی بعد 30 سال نیز با دیدن آن مو به تنتان سیخ می‌شود!

نام قسمت: Homer Badman - فصل 6، قسمت 9



خلاصه ماجرا: در این قسمت، هومر به خاطر اتفاقی که در هنگام رساندن اشلی گرننت به خانه‌اش رخ می‌دهد به تجاوز جنسی متهم می‌شود.

در این قسمت، به موضوعات بسیار مهم و حیاتی از جمله تجاوز جنسی و البته پوشش رسانه‌ای اشتباه پرداخته می‌شود که امروزه با توجه به گسترش رسانه‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند. به این ویژگی، باید پایان بندی فوق العاده‌ی این قسمت را هم اضافه کرد که باعث می‌شود آن را نه تنها بهترین قسمت این سریال، بلکه بهترین قسمت تمامی سریال‌های تلویزیونی بدانیم.

مهم ترین موضوعی که این قسمت به آن اشاره می‌کند، اهمیت رسانه و تاثیر آن روی جهت گیری‌های عموم مردم نسبت به یک اتفاق است. به این موضوع دقت کنید که این قسمت 24 سال پیش چنین موضوعی را انتخاب کرد و به آن پرداخت؛ موضوعی که الان اهمیت بسیار بالای آن قابل لمس است. همین مسئله نیز از ویژگی‌های منحصر بفرد سریال سیمپسون‌ها است که باعث می‌شود همیشه یک پله بالاتر از دیگر سریال‌های مشابه قرار بگیرد.

[دیجیاتو](#)